

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۷

صص ۱۳۰-۱۰۹

مبانی جغرافیایی خاستگاه آراء مردم در هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

دکتر زهرا پیشگاهی فرد* - دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران
سید محمد جواد شوشتری - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۴/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۱۲/۲۰

چکیده

در نظام‌های سیاسی دموکراتیک، مشارکت شهروندان به‌عنوان موثرترین بازیگران فضا در فرایندهای سیاسی از عمده‌ترین دغدغه‌های سیاستمداران و دولتمردان به‌شمار می‌رود. مشارکت شهروندان در امور حکومت شکل‌های مختلفی دارد که بارزترین جلوه آن انتخابات است که در برخی کشورها نشان‌دهنده میزان مشروعیت نظام سیاسی نیز می‌باشد. انتخابات و رفتار انتخاباتی کنش و نگرشی سیاسی است که با کارکردهای ساختاری زیر سیستم‌های اقتصادی و فرهنگی در سطح کلان نظام اجتماعی رابطه دارد. در واقع انتخابات در بسیاری از کشورها یک نظرسنجی فراگیر از شهروندان است و کمیت و کیفیت مشارکت انتخاباتی مردم می‌تواند میزان مشروعیت، کارآمدی نظام سیاسی، سیاست‌گذاری‌ها و مقبولیت کارگزاران سیاسی را نشان دهد. شناخت رفتار انتخاباتی شهروندان و الگوی شرکت در انتخابات برای احزاب، سیاستمداران و دولت‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا مشارکت فعال، گسترده و فراگیر جامعه در انتخابات به منزله پشتوانه ملی در سطح داخلی و اعتبار در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای می‌باشد. انتخابات در ایران زمینه مشارکت مدنی شهروندان در امور سیاسی را فراهم کرده و به نظر می‌رسد مشارکت شهروندان در انتخابات پس از پیروزی انقلاب اسلامی بیانگر حضور ایدئولوژیکی و رویکرد قومی- قبیله‌ای ناشی از حس خاص مکانی شهروندان می‌باشد. بر این اساس تحقیق حاضر تلاش دارد با رویکردی علی- تحلیلی به بررسی علل و عوامل مشارکت شهروندان در هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی پرداخته و به مقایسه این عوامل در فضای سیاسی مناطق مختلف جغرافیای ایران بپردازد و جایگاه جغرافیای انتخابات را در این مشارکت بررسی نماید. واژه‌های کلیدی: جغرافیای انتخابات، مجلس شورای اسلامی، مشارکت، شهروندی، منطقه‌گرایی.

مقدمه

با شکل‌گیری دموکراسی و توسعه حق رای همگانی، انتخابات به عنوان یکی از مهمترین جلوه‌های زندگی سیاسی در دنیای امروز در آمد. اهمیت انتخابات به حدی است که امروزه در جغرافیای سیاسی، شاخه مستقلی با عنوان «جغرافیای انتخابات» به وجود آمده است و محققان و پژوهشگران برجسته‌ای در این حوزه می‌اندیشند و قلم می‌زنند. انتخابات اساساً دانشی بین رشته‌ای است. نظامهای انتخاباتی، هزینه و نحوه تبلیغات و نوع برگزاری انتخابات، بحثی است که بیشتر در حقوق عمومی بدان پرداخته می‌شود و تأثیر تبلیغات بر رأی‌دهندگان از جمله مباحث علم ارتباطات است. رفتار انتخاباتی و تأثیر محیط بر رفتار رأی‌دهندگان از جمله موارد بسیار مهمی است که در جغرافیای سیاسی بدان پرداخته می‌شود. با وجود اهمیت مباحث مربوط به انتخابات، این دانش به‌عنوان یک علم در جامعه ما تا حدود زیادی ناشناخته است. انتخابات یکی از شاخصه‌های توسعه سیاسی و بیانگر نقش مردم در حکومت محسوب می‌شود. قوانین انتخاباتی، اجرای آن و میزان مشارکت مردم در انتخابات مبین رابطه حکومت و مردم و ترسیم‌کننده وضعیت اجتماعی است (طاهری، شریک: ۸۴).

جغرافیای انتخابات به عنوان یکی از شاخه‌های جغرافیای سیاسی محدوده‌های جغرافیای محلی، منطقه‌ای و ملی را بستری برای انتخاب نمایندگان می‌داند. این محدوده‌های جغرافیایی و شناسه‌های مرتبط با دموکراسی همچون رفتار رأی مردم، از نکات اصلی مورد توجه در جغرافیای انتخابات می‌باشد. آنچه بحث دموکراسی را در جغرافیا مجاز می‌سازد، نقش آفرینی محیطی آن است که در جغرافیای انتخابات به اثرگذاری متقابل انسان و محیط مربوط می‌شود. دموکراسی و انتخابات از آن رو با مباحث جغرافیای سیاسی ارتباط می‌یابند که به اصل جدایی ناپذیر سه عنصر یا پدیده ملت، حکومت و سرزمین مربوط می‌شوند. اصل جدایی ناپذیری این مثلث ناشی از رابطه‌ای است که اراده ملت را به حکومت منتقل می‌کند. به عبارت دیگر دموکراسی و انتخابات بهترین وسیله برای عملی کردن اثرگذاری اراده ملت بر شیوه حکومت در اداره سرزمین است. بر این اساس دموکراسی جغرافیایی‌ترین نوع حکومت شمرده می‌شود. انتخابات، فرایندهای انتخاباتی، تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی به وسیله نهادهای منتخب، از جمله اصول

اساسی کشورهای جهان برای توسعه و تکامل است. بسیاری از کشورهای جهان در دنیای متحول شده امروزی برای نهادینه کردن الگوهای مدنی و تشکیل نهادهای دولتی و مردمی با رأی و نظر مستقیم مردم، انتخابات آزاد و سالم و متناسب با ساختارهای ملی و منافع ملی را سرلوحه کار خود قرار داده و برای اجرای دقیق این فرایند مردمی در سالیان متمادی با کسب تجربیات متعدد توانسته‌اند به سطح بالایی از روشهای نوین دسترسی یابند (ملاحسینی اردکانی، ۸۶: ۲۵). سنگ بنای انتخابات به مفهوم امروزی در انگلستان گذاشته شد که سلطنت زیر فشار اشراف و نجبا مجبور به انتقال بخشی از قدرت خود به رعایا شد. با پذیرش نظریه نماینده‌سالاری و ایجاد رژیم‌های پارلمانی و ظهور نظریه حاکمیت ملی در قرون هفدهم و هجدهم، انتخابات در شکل نهایی آن به صورت حقوقی و سیاسی استقرار یافت (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۳۴). بیشتر رأی‌دهندگان ایده‌های خاص و مشخصی نسبت به این که جامعه و دولت از لحاظ آرمانی چگونه باید سازماندهی شود، دارند و بیشتر چنین رأی‌دهندگانی به حزبی وابسته هستند که به اعتقاد آنها به احتمال خیلی زیاد به چنین اهدافی در درازمدت خواهند رسید. در نتیجه چنین افرادی هر نوع اطلاعات و رویه‌هایی را که دریافت کنند با آرمان‌ها و ایده‌آل‌های خود می‌سنجند. عده‌ای که دیدگاه اقلیتی دارند در قالب احزاب اصلی رقیب نیستند، تمام اطلاعات و رویه‌های انتخاباتی را رد خواهند کرد و از انتخابات کناره‌گیری می‌کنند که این امر در کشور ما مشاهده می‌شود. بیشتر رأی‌دهندگان اطلاعات را با اهداف خود مقایسه می‌کنند و به شکل‌های مختلفی نسبت به این قضایا عکس‌العمل نشان می‌دهند. در نظام‌های دموکراتیک، مردم به صورت‌های مستقیم و غیرمستقیم بر تصمیمات حکومتی و تصویب قوانین دخالت دارند و بر سرنوشت خود و اقداماتی که باید در جامعه صورت بگیرد، تأثیر گذارند. برای این منظور در اغلب کشورهای جهان مجلس قانونگذاری تأسیس شده که افراد منتخب به نمایندگی عامه در آنجا حضور می‌یابند تا با تصویب قوانین، اهداف جامعه را پیش ببرند. انتخاب نمایندگان نیز بستگی به عوامل محلی و ملی دارد که برای این منظور کشور به چندین ناحیه به نام حوزه‌های انتخابیه تقسیم می‌گردد و به هر حوزه نیز نماینده یا نمایندگان اختصاص می‌یابد. در تخصیص نمایندگان به مناطق مختلف کشور نیز پارامترهای مختلف و حتی‌المقدور عادلانه‌ای در نظر گرفته می‌شود. تاریخ انقلاب اسلامی بیانگر آن است که مردم ایران در اکثر انتخابات حضور بیش از ۵۰ درصد

داشته‌اند و این امر در مورد انتخابات مجلس به لحاظ رویکردهای ایدئولوژیکی - قومی، با مشارکت بیشتری همراه بوده است (محمدی‌زاده، ۱۳۸۴: ۲).

در آستانه هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در ایران، پرسش اصلی که ذهن بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی، کاندیداهای مجلس، مسئولان و مدیران کشور را مشغول کرده بود، میزان مشارکت شهروندان در انتخابات بود. چرا که حوادث و اتفاقات در انتخابات هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی با رد صلاحیت‌های گسترده همراه بود که بیشتر این موارد مربوط به جناح اصلاح‌طلب بود که برخلاف جناح مقابل (اصولگرا) به دلیل عملکرد در مجلس ششم از حمایت عناصر درونی حکومت برخوردار نبود - به گونه‌ای که اصلاح‌طلبان نتوانستند در بسیاری از حوزه‌های انتخابیه کاندیدایی داشته باشند و تنها ۱۰۲ نفر را در این دوره از انتخابات برای ۲۹۰ کرسی نمایندگی دوره هشتم مجلس شورای اسلامی معرفی کردند - که این امر موجب دلسردی حامیان این گروه شده بود و تحلیل‌گران طرفدار این گروه زمزمه‌های عدم مشارکت در انتخابات را مطرح نموده بودند. طبق آمار وزارت کشور میزان مشارکت در این دوره از میانگین بالاتری نسبت به دوره قبل برخوردار شد^۱ و ذهن تحلیل‌گران را به سمت دیگری از رفتار انتخاباتی شهروندان سوق داد که جدا از مسائل سیاسی صرف همچنان دیدگاههای ایدئولوژیکی و قومی با رویکرد مکانی از مهمترین علل افزایش دهنده میزان مشارکت شهروندان در انتخابات مجلس است. تحقیق حاضر در پاسخ به سوال: بررسی علل و عوامل مشارکت شهروندان در هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در فضای سیاسی مناطق مختلف جغرافیای ایران و جایگاه جغرافیای انتخابات در این مشارکت، به ارائه این فرض می‌پردازد که مشارکت شهروندان در انتخابات بیانگر رویکرد ایدئولوژیکی و قومی - قبیله‌ای ناشی از حس خاص مکانی شهروندان می‌باشد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر تلاش دارد با رویکردی علی - تحلیلی به بررسی علل و عوامل مشارکت

^۱ - آمار منتشر شده توسط وزارت کشور مورد قبول بسیاری از رسانه‌ها و کارشناسان خبری نمی‌باشد. رسانه‌هایی که از حمایت دولت برخوردار نیستند بیشتر به این آمار معترض هستند.

شهروندان در هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی پرداخته و به مقایسه این عوامل در فضای سیاسی مناطق مختلف جغرافیای ایران پردازد و جایگاه جغرافیای انتخابات را در این مشارکت بررسی نماید. آمار مشارکت در انتخابات به صورت نمودارهای ترکیبی و جداول به نمایش گذاشته شده در تحقیق با توجه به آمار موجود در وزارت کشور طراحی شده‌اند. همچنین تلاش شده است تا از سایر منابع رسمی نیز استفاده شود.

مبانی نظری تحقیق

جغرافیای انتخابات

دانش جغرافیا از آغاز حیات خود و از قرن‌ها قبل همواره بر روی مکان تأکید داشته است. پارادایم‌هایی مانند جبرگرایی محیطی، امکان‌گرایی، ناحیه‌گرایی، دیدگاه‌های فضایی، کارکردگرایی و ساختارگرایی با تفاوت‌هایی نگاه اصلی خود را به مکان به عنوان یک موقعیت جغرافیایی با ابعاد ریاضی مشخص معطوف داشته است. لکن در دوران معاصر جغرافیا سعی دارد دکترین مکان را به معنای درک مکان و ارتباط آن با طبیعت، تاریخ، اقتصاد، زیست‌شناسی، جامعه‌شناسی، روانشناسی، اکولوژی فرهنگی و سیاست بررسی کند (شکویی، ۱۳۷۹: ۷۴).

جغرافیای سیاسی زمانی صرفاً به مطالعه ادعاها و منازعات انسانی در رابطه با استفاده، شراکت، مالکیت زمین و منابع آن توجه خاصی داشت، امروز همگام با تحولات به وجود آمده به دنبال یافتن ارتباط‌های روانی و عاطفی میان مردم و فضاهایی است که زندگی روزمره در آن جریان دارد. به همین دلیل ورود جغرافیاهای انسان‌گرایانه و رفتاری باعث شد بیشتر به سیاست‌های ناشی از مکان توجه شود تا به موقعیت‌های خشک و بی‌روح جغرافیایی آن بر روی نقشه. به تدریج مطالعات میدانی جای خود را به شیوه‌های سنتی و کتابخانه‌ای داد و جغرافی‌دانان از این طریق سعی کردند منابع اطلاعاتی خود را وسعت بخشند. سنت بنیاد فضایی یا دیدگاه فضایی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ و تمایل به روش‌های کمی و مدل‌سازی به دلیل وسیع شدن شهرها و مسائل خاص شهرنشینی این فرصت را برای جغرافی‌دانان فراهم آورد که در رابطه با مکان‌یابی‌های صنعتی و کشاورزی، حمل و نقل شهری، کاربری‌های زمین و ... از استدلال‌های

آمار و تحلیل‌های مبتنی بر اقتصاد و ریاضی بهره‌برداری کرده و یک نوع جغرافیای قانونمند را ارائه کنند. دیدگاه فضایی در دهه ۱۹۷۰ با اوج‌گیری دکترینی با عنوان پوزیتیویسم رشد افزون‌تری یافت. این دیدگاه مکتبی فلسفی است که به طور کلی بر مشاهده و تجربه تأکید می‌گذارد. پوزیتیویسم اجتماعی و سیاسی با تأکید بر مشاهده جهان، در حال حاضر بر حقایق و امور مشهود و موجود تلویحاً مکتبی محافظه‌کارانه و نویددهنده وضع موجود است. مارکسیست‌ها، پوزیتیویسم را تأیید و تثبیت پایه‌های کاپیتالیسم می‌دانند. به خصوص که این دیدگاه بر نقش دولت از لحاظ حقوقی و حقوق بین‌المللی تأکید دارد و بر حق مالکیت دولتها نیز صحنه می‌گذارد. بنابراین از دهه ۱۹۲۰ که این مکتب توسط حلقه وین تشریح شد، اثبات‌گرایان به پیشرفتهای قابل ملاحظه‌ای دست یافتند. با این پیش زمینه گرایش پوزیتیویسم به‌عنوان یک نیروی غالب در جغرافیا پدیدار شد و تلاش کرد حصول به نتایج انتخابات را از طریق انبوه داده‌ها قابل اندازه‌گیری و تسهیل کند و در ارزیابی‌های نهایی به جای یافتن راه حل مسائل بر یافتن داده‌ها جهت سنجش، تأکید شود. به عنوان مثال اعلام می‌شد: محلات کارگر نشین رأی‌دهندگانی طرفدار سوسیالیسم هستند و یا مردم مرفه و بالای شهرنشین گرایش محافظه‌کارانه دارند.

استنتاج‌های فوق بر این پایه بود که تمامی دانش از شواهد حسی استمراج می‌شود و غیر از این دانش محسوب نمی‌شود. زبان فیزیک و هندسه اقلیدسی در این تحقیقات، راهبردهای اصلی را به عنوان زبان یگانه علم ارائه می‌دادند. البته سوسیالیست‌ها و لیبرالیست‌ها طرفدار این مکتب بودند. به تدریج انتقادهای وارده بر مکتب پوزیتیویسم، تحصیلی یا اثبات‌گرا موجب شد از ارزش کیفی آن کاسته شود و این استدلال مطرح شد که تحقیق عاری از دخالت ارزشها و عدم دخالت عناصر ذهنی کم اهمیت است. نقدهای فوق بر روی مسئله انتخابات هم تأثیرگذار بود (میرحیدر، ۱۳۷۹: ۲۰۹). پیتر تیلور جغرافیدان برجسته به‌رغم جایگاه برتر جغرافیای انتخابات در دهه ۱۹۷۰ و تحلیل‌های علمی و مبتنی بر آمارهای کسب شده در سال ۱۹۹۳ میلادی رسماً شکست این‌گونه مطالعات انتخاباتی را اعلام کرد و اظهار داشت: مطالعات انتخاباتی جهت‌الحاق به عرصه جغرافیای سیاسی ثابت می‌کند که نیاز به مدل تجدید نظر شده‌ای وجود دارد. در تشریح دوره انقلاب کمی و بهره‌گیری مفرط از کمیت‌ها در انتخابات، تیلور یادآوری می‌کند: ابتدا

احزاب، سیاست دولت را تنظیم می‌کنند، سپس مردم جهت حمایت از این سیاست بسیج می‌شوند و در سایه یک نظام رقابتی حزبی و توسعه آن اتکا به گروههای مخالف به وجود می‌آید که این گروهها نوعاً به جای دشمنان حکومت، به عنوان دولتهای جایگزین تلقی می‌شوند. تیلور معتقد بود دو نوع جغرافیای انتخاباتی در حال حاضر وجود دارد که یکی مطالعات عادی در زمینه جغرافیای رأی‌گیری یا جغرافیای حمایت^۱ و مورد دوم مطالعه مدلهای تجدیدنظر شده مانند جغرافیای قدرت و تحقیق راجع به سرمایه‌گذاری‌های گروههای فشار و پیامدهای سیاسی انتخابات است.^۲ به نظر تیلور جغرافیای انتخاباتی رایج به خصوص در کشورهای کمتر توسعه یافته مجذوب انبوه داده‌های در دسترس است و بر جغرافیای حمایت متمرکز است، در حالی که جغرافیای قدرت کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و منابع اطلاعاتی آن به ندرت در اختیار یک محقق است. تیلور یک مدل انتخاباتی ارائه می‌دهد که تلفیقی از این نوع است و عبارت است از ترکیب ارتباط و خلاقیت با یک جنبه فضایی قوی، این مدل که مورد قبول بسیاری از جغرافیدانان معاصر از جمله شخص تیلور است، نیاز به بسط و توضیح افزون‌تری دارد. تیلور در حمایت از این مدل و در انتقاد به مدلهای رایج در جغرافیای رأی‌گیری سعی می‌کند از نقش احزاب سیاسی بکاهد. احتمالاً دلیل حساسیت تیلور به نقش تعیین‌کننده احزاب سیاسی وجود بعضی کشورها است که به جای فرد به حزب رأی می‌دهند و هر حزبی که بتواند سهم معینی از آراء را کسب کند می‌تواند نماینده به پارلمان بفرستد (آلمان و رژیم صهیونیستی) و هر چه میزان آرای یک حزب بیشتر باشد، می‌تواند نماینده‌های بیشتری داشته باشد. نظام انتخابات احزاب اعتقاد دارد مدل‌های سیاسی حاکمیت مصرف‌کننده با توجه به شرایط جغرافیایی فرض می‌کند که رای دهندگان تصمیم می‌گیرند که چه می‌خواهند و احزاب در صدد راضی کردن رأی‌دهندگان بر می‌آیند (میرحیدر، ۱۳۷۹: ۲۱۵).

بنابراین احزاب عامل نسبتاً منفعلی هستند که نظر سنجی‌های خصوصی را ترتیب می‌دهند. مسائل بسیار مهم جاری را شناسایی می‌کنند و سپس سیاستهایی را تعیین می‌کنند که آنان را در چشم رأی‌دهندگان در اکثر حوزه‌های انتخاباتی از همه جذاب‌تر جلوه می‌دهند.

^۱. Geography of support

^۲. Geography of power

الگوهای رفتار انتخاباتی

دیدگاه و نظریه‌های مرتبط با رفتار انتخاباتی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. دسته اول در جستجوی آن است که آیا مردم رأی می‌دهند و در انتخابات مشارکت می‌کنند و در دسته دوم صحبت از این است که افراد شرکت‌کننده در انتخابات به چه گروه‌های سیاسی یا فردی رأی می‌دهند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۳: ۱۴۸). دلایل مردم برای شرکت کردن یا نکردن در انتخابات در بسترهای سیاسی ناهمگون، متفاوت است و انتخاب گروه‌های سیاسی نیز بسته به رویکرد وابسته به شرایط سیاسی در هر واحد سیاسی است.

"ویسر" معتقد است که پس از پنج دهه پژوهش درباره رفتار رأی‌دهی هنوز چارچوب نظری استواری برای مطالعه این نوع مشارکت سیاسی وجود ندارد، اما می‌توان به مجموعه‌ای از دیدگاه‌های نظری اشاره کرد که هر کدام جانی از رفتار انتخاباتی مردم را تبیین می‌کنند (مظفری، ۱۳۸۷: ۵).

دیدگاه انتخاب عاقلانه: مردم کسانی که بیشترین منافع را برای آنان ایجاد کند، انتخاب می‌کنند (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۷).

دیدگاه توجیحات ایدئولوژیک: در جایی که مردم نتوانند منافع خود، دیدگاه‌های گروه‌های سیاسی، یا هر دو را تشخیص دهند و در تطبیق آنها مشکل داشته باشند از توجیحات ایدئولوژیک برای رفتار خود استفاده می‌کنند.

دیدگاه لازارسفلد: رأی‌دهی کنشی شبیه به تصمیم به خریدن کالا است. انگیزه‌هایی در فرد وجود دارد، این انگیزه‌ها تحت تأثیر تبلیغات کاندیداها تغییر می‌کنند و وی بر اساس آنها انگیزه‌ها ابعاد مختلف جهان سیاسی را تعریف می‌کند و نهایتاً بر اساس ترکیب انگیزه‌هایش رأی می‌دهد.

دیدگاه انتخاب عاقلانه اصلاح‌شده: رأی دادن برای تحقق منافع شخصی و بیان خود است. بیان خود میزان تمایل فرد برای ابراز وجود در عرصه اجتماعی را ارائه می‌کند.

مکتب مطالعاتی شیکاگو؛ فضای جدید کاندیدای نوین: بیان خود یا احساس قدرت، محقق نمی‌شود، به این ترتیب هرگونه احساس بی‌قدرتی در عرصه اجتماعی و سیاسی، به عدم تمایل برای مشارکت سیاسی منجر می‌شود.

دیدگاه شناختی: به شدت بر اندازه‌گیری نگرش‌های سیاسی و برای درک نگرش‌ها نیز به ادراکات، تجربه گذشته و انگیزه‌های کلی کنشگر سیاسی توجه دارد. بر طبق این دیدگاه مجموعه نیروهای اجتماعی و سیاسی در درون فضای سیاسی تعیین‌کننده کنش رأی‌دهی هستند **دیدگاه اینگلهارت:** اینگلهارت در پی بسط اندیشه مازلو^۱ است. به عقیده وی رفتار رأی‌دهی افراد بر مبنای اینکه در کجای سلسله مراتب نیازها قرار داشته باشند، تعیین می‌شود. دیدگاه‌های مورد بررسی رفتار انتخاباتی مطرح شده موارد زیر را بیان می‌کنند:

- محاسبه منافع رأی دادن؛
- آگاهی سیاسی؛
- تبلیغات کاندیداها و گروه‌های سیاسی؛
- ابراز خود و احساس کارآمدی اجتماعی و سیاسی؛
- تجربه انباشته سیاسی گذشته؛
- ویژگی‌های شخصی؛
- طرح‌واره افراد از نظام سیاسی و عناصر آن؛
- پایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد.

اما به غیر از متغیرهایی که این دیدگاهها بر تأثیرگذاری آنها تأکید می‌کنند، یک متغیر دیگر نیز وجود دارد که دیدگاه‌های فوق به دلیل ساخته و پرداخته شدن در محیط‌های غربی نسبت به آن‌ها بی‌توجه هستند (مظفری، ۱۳۸۷: ۵). در همه دموکراسی‌های نوپا، میزان مشروعیت نظام سیاسی متغیری است که بر رفتار انتخاباتی بسیار تأثیر می‌گذارد. همچنین در همه دیدگاه‌های بیان شده، تأثیر فشار هنجاری ناشی از مشارکت یا عدم مشارکت گسترده شهروندان در انتخابات لحاظ نشده است. از همین رو لازم است تا این فشار هنجاری نیز در بین متغیرهای انتخاباتی لحاظ و تأثیر آن بر رفتار انتخاباتی بررسی شود.

^۱ - روانشناسی که نیازهای انسان را سطح‌بندی نمود که به هرم مازلو معروف است. در این هرم نیازهای فیزیولوژی در سطح اول و پس از آن نیازهای روحی و ... قرار دارد.

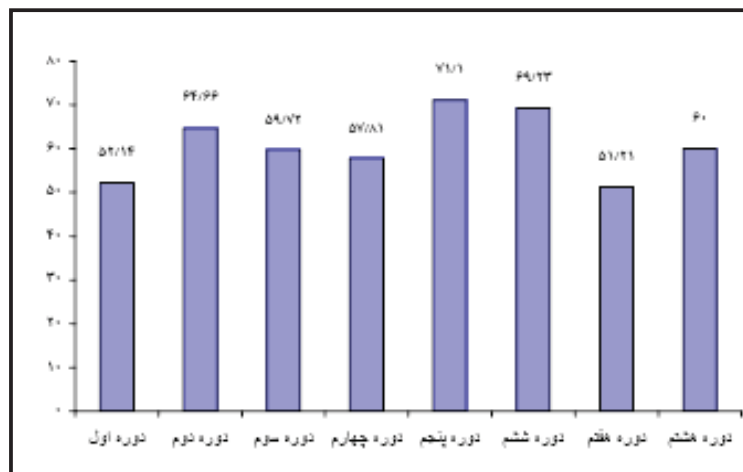
خاستگاه رأی در ایران

۱- آراء سیاسی، ۲- آراء شرعی، ۳- آراء ترقی خواهانه، ۴- آراء مبتنی بر نیازهای روزمره، ۵- آراء از سرلجبازی، ۶- آراء دولتی ۷- تک رأی‌های مدیریت شده، ۸- آراء سرگردان و بی‌هدف، ۹- آراء نگران، ۱۰- آراء مشروط. بنابراین ملاحظه می‌شود که خاستگاه‌های رأی در ایران متفاوت و متنوع است و همین تعدد خاستگاه رأی مانع از تشکیل مجلسی همگرا و وزین در راستای اهداف کلی و ملی می‌شود (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۷).

انتخابات مجلس شورای اسلامی

در ایران بعد از انقلاب مشروطه، مجلس شورای ملی ایجاد گردید و نمایندگان مجلس از طرف مردم مناطق مختلف انتخاب و به مجلس راه یافتند. نهضت مشروطه، نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران به‌شمار می‌آید. یکی از مهمترین دستاوردهای نهضت مشروطه، اعطاء حق تاثیرگذاری مردم در سرنوشت سیاسی خود به آنها بود. هرچند این مهم در عمل آن‌گونه که می‌بایست تحقق نیافت، اما استقرار نظام پارلمانی، پس از نهضت مشروطه در ایران، به نوعی بیانگر این حرکت می‌باشد. در ایران از زمان برگزاری اولین دوره انتخابات مجلس شورای ملی تا مجلس هشتم ۳۲ مرتبه انتخابات پارلمانی برگزار شده است که بطور میانگین در هر سه دوره انتخابات، تغییر و تحولاتی در حوزه‌های انتخاباتی رخ داده است. از پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان سال ۱۳۸۷ شمسی نیز هشت دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی برگزار شده است (وزارت کشور، گزارش انتخابات مجلس، ۱۳۸۷: ۳). تاریخ انقلاب اسلامی بیانگر آن است که مردم ایران در اکثر انتخابات حضور بیش از ۵۰ درصد داشته‌اند و این امر در مورد انتخابات مجلس به لحاظ رویکردهای ایدئولوژیکی - قومی، با مشارکت بیشتری همراه بوده است. نمودار زیر نشان‌دهنده میزان مشارکت در انتخابات در دوره‌های مختلف است که البته منابع غیر وابسته به دولت این آمار را صحیح نمی‌دانند و پیش‌بینی آنها با آمار دولتی ارائه شده متفاوت است و این باعث شده است تا منابع وابسته به دولت میزان مشارکت را چشمگیر، و منابع غیر وابسته به دولت آمار مشارکت را ضعیف تحلیل نمایند.^۱

^۱ - منابع غیر دولتی معتقدند آمار ارائه شده توسط وزارت کشور اگر چه در ظاهر منطقی و قابل قبول می‌باشد، اما این آمار



نمودار شماره ۱: درصد مشارکت مردم در انتخابات دوره‌های مختلف مجلس شورای اسلامی

(مأخذ: دفتر انتخابات وزارت کشور)

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، میزان مشارکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی در دوره‌های مختلف بیش از ۵۰ درصد است که به لحاظ سیاسی آمار قابل قبولی برای میزان مشارکت در انتخابات می‌باشد.

انتخابات دوره هشتم مجلس شورای اسلامی

انتخابات دوره هشتم مجلس شورای اسلامی با چند اتفاق زیر همراه شد:

- اعمال فشار غرب از طریق تصویب قطعنامه شورای امنیت؛
- به کارگیری رایانه در شمارش آرای مأخوذه؛
- ورود واژه‌های جدید به حوزه انتخابات از قبیل: اخلاق انتخاباتی، انتخابات الکترونیکی؛
- تغییر سن رأی دهندگان از ۱۵ سال به ۱۸ سال؛
- تغییر شرایط کاندیداهای نمایندگی مجلس؛

بدون توجه به تعداد افراد دارای حق رای است و آمار و ارقام ارائه شده توسط منابع دولتی را دارای غرض می‌دانند از جمله در بیانیه سازمان مجاهدین آمده است.

- تأخیر در تصویب قانون جدید انتخابات توسط مجلس هفتم؛
- زمان نامناسب رأی‌گیری (چند روز مانده به سال نو).

آمار نشان می‌دهد علیرغم مشکلات اقتصادی و معیشتی و همچنین رد صلاحیت‌های گسترده و برگزاری انتخابات در روزهای آخر سال و احساس مشارکت ضعیف شهروندان توسط تحلیل‌گران، در این دوره افت مشارکت احساس نشد و حتی مشارکت حدود ۹ درصد افزایش داشته است (وزارت کشور، گزارش انتخابات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷: ۴). این امر در مورد تهران که دارای آرای سیاسی می‌باشد و رویکردهای سیاسی بر تعصبات قومی-مکانی ارجحیت دارد، با ۷ درصد کاهش نسبت به دوره قبل مواجه شد. تحلیل‌گران مشارکت انتخاباتی در دیگر مناطق کشور را همانند دوره‌های گذشته در عواملی چون قومیت‌گرایی، منطقه‌گرایی و دیدگاه‌های ایدئولوژیک می‌دانند (<http://www.advarnews.com>).

جغرافیای انتخابات دوره هشتم مجلس شورای اسلامی

مجلس شورای اسلامی مهمترین نماد و مظهر دموکراسی در ایران است و بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از قوای سه‌گانه نظام معرفی شده است. یکی از ویژگی‌های عمده مجلس در طول تمامی دوره‌های آن برخلاف دیگر قوا هیچگاه به طور مطلق یکدست و یا خالی از حضور جریان رقیب نبوده است. همواره جناح‌های مختلف با عناوین گوناگون اعم از چپ و راست در حضور اکثریتی از رقیب برای اظهار نظر و پیشبرد برنامه‌های خود و بیان نقد در درون این قوه حضور داشته‌اند. بر این اساس انتخابات مجلس همواره از مهمترین رقابتهای انتخاباتی در کشور می‌باشد.

جریان‌های انتخاباتی در اکثر مناطق کشور در زمان انتخابات متأثر از دیدگاهها و مسائل قومی می‌باشد، لیکن در تهران و تعدادی از شهرهای بزرگ از دوره‌های اولیه برگزاری انتخابات گرایش به سمت گروههای چپ و راست که اخیراً اصلاح‌طلب و اصولگرا خوانده می‌شوند، بوده و این گروهها از مهمترین مرجع آراء مردم در انتخابات بوده‌اند (وزارت کشور، گزارش انتخابات مجلس، ۱۳۸۷: ۱۲). به لحاظ مشکلات حزبی و عدم شکل‌گیری ساختار حزبی در کشور به سادگی نمی‌توان از تعداد ائتلاف‌ها و جریان‌های سیاسی سخن گفت. قابل ذکر است در این

دوره همانند رقابت‌های گذشته به رغم حضور گسترده احزاب و ائتلاف‌ها، در آغاز انتخابات همچنان شخصیت‌های برجسته نقش محوری را در جریان‌سازی ایفا کردند. ائتلاف اصلاح‌طلبان بر مبنای شورای هماهنگی جبهه اصلاحات و مجمع مشورتی با محوریت سید محمد خاتمی، حزب اعتماد ملی با محوریت مهدی کروبی، جبهه متحد اصولگرا بر مبنای ائتلاف میان جبهه پیروان خط امام و رهبری، حامیان دولت و اصولگرایان جدید و... از عمده‌ترین فعالان انتخابات بودند. تلاقی لیست‌ها در دو جبهه اصلاح‌طلب و اصولگرا سبب شد که بسیاری از رسانه‌ها در تحلیل‌های خود دچار اشتباه شده و یا عمداً تحلیل‌های خود را جهت‌دار و غیر واقعی بیان نمایند و هر گروه سیاسی نتایج را به نفع خود تأویل نماید (یزدان‌پناه، ۱۳۸۷). اما اگر بخواهیم تحلیلی دقیق از آرایش سیاسی مجلس هشتم ارائه کنیم، پس از بررسی فهرست مورد حمایت گروه‌های مختلف، می‌توان نامزدهای انتخاباتی را از گروه‌های زیر دانست:

۱. اصولگرایان (جبهه متحد)؛
۲. اصولگرایان (ائتلاف فراگیر)؛
۳. اصلاح‌طلبان (پاران خاتمی)؛
۴. اصلاح‌طلبان (حزب اعتماد ملی)؛
۵. طیف اعتدال و توسعه؛
۶. مستقل‌ها.

جریان‌های سیاسی در حالی وارد رقابت‌های انتخاباتی شدند که چالش‌هایی را در برابر خود می‌دیدند و دامنه اعتراضات و نارضایتی در درون گروه‌های سیاسی از وضع موجود مشهود بود تا جایی که زمزمه‌هایی مبنی بر عدم شرکت در انتخابات در گوشه و کنار جراید به چشم می‌خورد. عمده این مسائل به شکل زیر بود:

- **تعیین صلاحیت‌ها:** رد صلاحیت‌ها در این دوره به بیش از ۴۰ درصد رسید که در این میان اصولگرایان دغدغه چندانی نداشتند، اما جریان اصلاح‌طلب به‌رغم تلاش آرام و استفاده از مهره‌های معتدل باز هم دچار رد صلاحیت‌های گسترده شدند، به‌گونه‌ای که آنها فقط برای ۱۰۲ کرسی در مجلس رقابت کردند (<http://makunews.com>).

- **رسانه‌ها:** مهمترین نقش در هر انتخابات بر عهده رسانه‌ها است. روند و جهت اطلاع‌رسانی

و نقد رسانه می‌تواند تأثیر بسزایی بر فعالیت جریانها و حتی نتیجه یک انتخابات داشته باشد. از بعد رسانه ملی یقیناً اصولگرایان نگرانی خاصی نداشتند، اما این وضع در اردوگاه اصلاح‌طلبان متفاوت بود و آنها نگرانی خود را اعلام کردند. آنجا که عمده اخباری که به‌عنوان اخبار اصلاح‌طلبان انتشار می‌یافت حاکی از اختلاف و پخش اخبار منفی بود. برخی از رسانه‌های مکتوب طرفدار این گروه نیز با وجود بعد محدودتری که دارند، توقیف شدند. به این موارد می‌توان فرصت نابرابر نامزدهای اصلاح‌طلب در برابر اصولگرایان را اضافه نمود که بسیاری از ایشان از تأیید صلاحیت قطعی خود تا واپسین روزهای مانده به انتخابات اطلاعی نداشتند. از آنجا که خواستگاه رأی این طیف عمدتاً آرای خواموش می‌باشد که نیاز به باز زنده‌سازی دارد قطعاً تبلیغات رسمی و غیررسمی و زمان مناسب برای این کار و وجود رسانه‌های قابل اتکا قطعاً در این خصوص تأثیرگذار خواهد بود که نتیجه آن ایجاد مشارکت حداکثری است و متأسفانه این اتفاق بطور کامل صورت نگرفت.

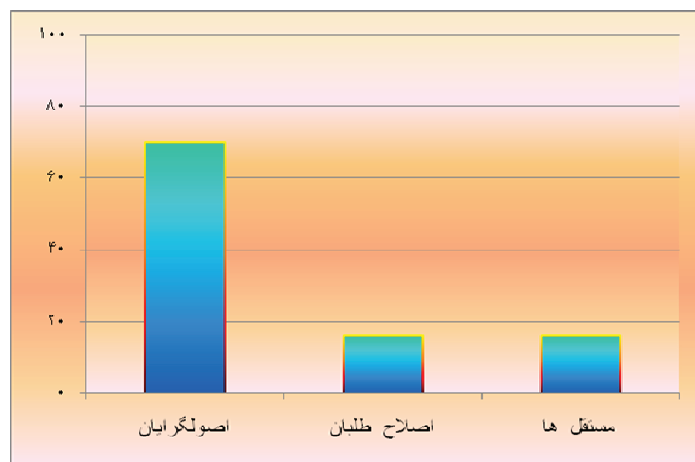
زمان برگزاری: اعتراضات در خصوص زمان برگزاری انتخابات از سوی دو جناح وجود داشت. منتقدان استدلال می‌کردند که پایان سال زمان مناسبی برای برگزاری انتخابات نیست چرا که درگیری مردم با برنامه‌های خود در آخر سال موجب اختلال در امور انتخاباتی می‌شود و ممکن است موجب کاهش مشارکت شود و جناح اصلاح‌طلب علاوه بر آن استدلال نمود که با توجه به تعطیلی مراکز علمی و فرهنگی در این زمان طرفداران این گروه در تهران حضور ندارند و رقابت عملاً با وجود رد صلاحیت‌ها و عدم حضور قشر دانشجو و علمی معنا نخواهد داشت. گواه آن در مشارکت ۱۳ درصدی گروه سنی ۲۰-۳۰ سال در انتخابات می‌باشد.

سلامت انتخابات: در جریان انتخابات اصلاح‌طلبان اعتراضهای وسیعی در خصوص نحوه شمارش آراء داشتند، چرا که نمایندگان آنها نتوانستند در حوزه‌های شمارش به خوبی بر امور اخذ آراء نظارت داشته باشند و بسیاری از آراء باطله را جزو آراء خود می‌دانستند (نوروزی، ۱۳۸۶: ۱).

با وجود اینکه ۳۰ نماینده تهران، تنها ۱۰ درصد نمایندگان مجلس را تشکیل می‌دهند، معمولاً قضاوت‌های سیاسی بر مبنای میزان پیروزی فهرست در تهران شکل می‌گیرد. از دلایل این امر، وجود آراء مردم تهران بر اساس آرایش‌های سیاسی می‌باشد. با توجه به آنکه فهرست پنج‌گانه ائتلاف فراگیر اصولگرایان، جبهه متحد اصولگرا، ائتلاف اصلاح‌طلبان (یاران خاتمی)، حزب

اعتماد ملی (همراهان کروی) و طیف اعتدال و توسعه از مهمترین جریانات سیاسی به شمار می‌آمدند، اما این فهرستها اشتراکات زیادی با هم داشتند. با این وصف رقابت میان ۹۴ نفر در قالب ۵ فهرست بود که جناح اصولگرا دارای ۹ اشتراک و جناح اصلاح طلب دارای ۱۵ اشتراک بودند و طیف اعتدال و توسعه با هر دو جناح بیش از ۱۰ اشتراک داشت. نکته جالب توجه اینکه اصلاح طلبان در این دوره به علت رد صلاحیت‌های گسترده نتوانستند فهرست ۳۰ نفره خود در تهران را کامل کنند (<http://www.aryanews.com>).

با توجه به نتایج انتخابات در دور اول و دوم مجلس شورای اسلامی، جغرافیای انتخابات حاکی از کسب گسترده آرا توسط شاخه‌ای از جناح درون حاکمیت به نام جبهه متحد اصولگرا بود. همان گونه که در نمودار شماره ۲ مشاهده می‌شود، اصولگرایان حدود ۷۰ درصد آرا را کسب کردند و پس از آن اصلاح طلبان با ۱۶ درصد و نمایندگان مستقل نیز با کسب ۱۴ درصد آرا در رده‌های بعدی قرار گرفتند. پیروزی گسترده اصولگرایان با توجه به قدرت این گروهها در درون بدنه نظام و شرکت شرعی گروههای مردمی، محتمل بود. در عین حال نیز با توجه به رد صلاحیت‌های گسترده اصلاح طلبان و حذف چهره‌های سرشناس این گروه و عدم کامل شدن لیست انتخاباتی گروه مذکور که جمعاً ۱۰۲ کاندیدا را برای ۲۹۰ کرسی معرفی نموده بودند و احساس دلسردی طرفداران این گروه، با اقبالی بیش از ۱۶ درصد مواجه نشد (وزارت کشور، آمار دفتر انتخابات). نتایج انتخابات در شهر تهران از جهاتی با دیگر مناطق کشور تفاوت و شباهت داشت. از شباهت‌ها می‌توان به پیروزی اصولگرایان مانند دیگر مناطق کشور اشاره کرد. اما اصلاح طلبان که در مناطق مختلف کشور موفق به کسب یک ششم کرسی‌های مجلس شده بودند، در تهران تنها توانستند یک کرسی در مجلس شورای اسلامی بدست آورند.



نمودار شماره ۲: درصد نمایندگان گروه‌های مختلف سیاسی راه یافته به مجلس شورای اسلامی در دوره هشتم

اگر بخواهیم به طور خلاصه نتایج هشتمین دوره انتخابات مجلس را تحلیل کنیم باید گفت با این که بسیاری از کارشناسان سیاسی به دلیل مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم پیش بینی می‌کردند اصلاح طلبان اگر اکثریت مجلس را بدست نیاورند، دست کم اقلیتی قوی را تشکیل خواهند داد. اما این پیش‌بینی درست از آب در نیامد. البته باید اذعان داشت با توجه به حضور نمایندگانی از فهرست ائتلاف فراگیر اصولگرایان به نظر می‌رسد اختلافات داخلی اصولگرایان که تبلیغات گسترده رسانه‌ها آن را پنهان نگه داشته بود، در نحوه برخورد با دولت ادامه خواهد داشت و این می‌تواند باعث جدی‌تر شدن نقش اصلاح طلبان در مجلس شود (مظفری، ۱۳۸۷: ۶).

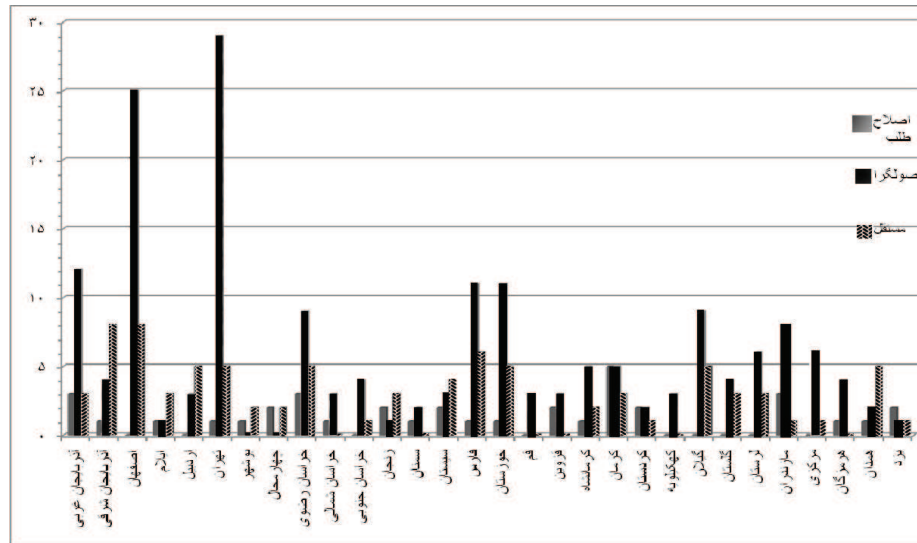
جغرافیای انتخابات و میزان آراء دو جناح عمده کشور عبارت است از:

- اکثریت هفتاد درصدی از کرسی‌های نمایندگی مجلس متعلق به جناح اصولگرا می‌باشد؛

- اصلاح طلبان تنها ۱۶٪ درصد از کرسی‌های نمایندگی را بدست آوردند؛

- ۱۴٪ درصد از کرسی‌های مجلس هم متعلق به مستقل‌ها بود؛

نمودار شماره ۳ آراء احزاب در استانهای کشور را نشان می‌دهد:



نمودار شماره ۳: توزیع مکانی آراء گروه‌های سیاسی کشور در انتخابات هشتم مجلس شورای اسلامی

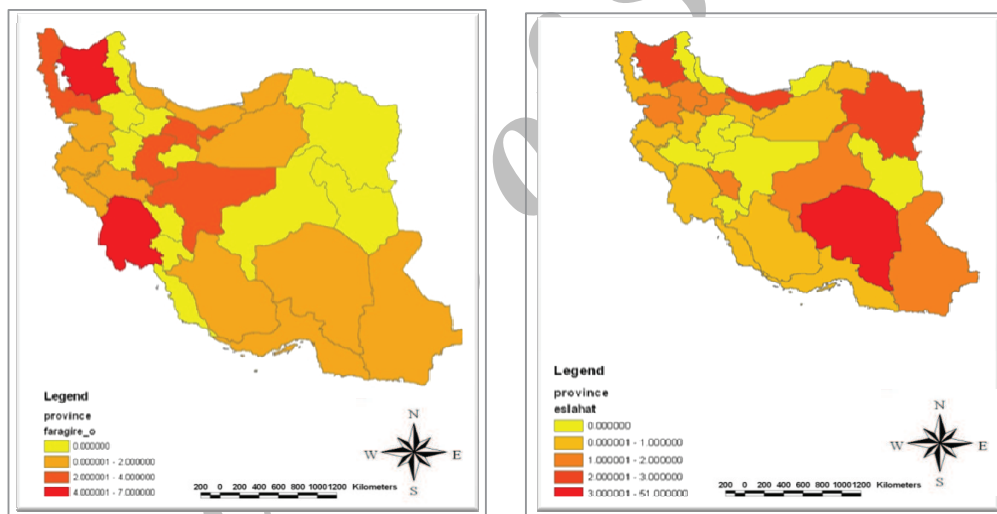
تجزیه و تحلیل

با تهیه نقشه‌های پراکندگی میزان آرای جناح‌های مختلف سیاسی در مناطق مختلف کشور به نتایج جالب توجهی به دست آمد که در مورد جناح اصلاح طلب همان‌گونه که در نقشه شماره ۱ آمده است، پراکندگی آراء دارای ترکیب یکدست و یکنواختی نمی‌باشد. بالاترین میزان در استان کرمان با ۵ نماینده مشاهده می‌گردد که از استانهای کویری کشور است. و در سطوح بعدی استانهای آذربایجان غربی، خراسان رضوی و مازندران قرار دارند. این استانها اگر چه دارای بالاترین تعداد منتخبین اصلاح طلب رأی به جناح اصلاح طلب می‌باشند، اما باز هم تعداد آراء جناح اصولگرا به جز استان کرمان در مقایسه با سایر استانها بیشتر است.

در جناح اصولگرا با دو گروه مواجه بودیم. آرائی ائتلاف فراگیر اصولگرا با توجه به نقشه شماره ۲ این ائتلاف بیشترین میزان آراء را در استانهای خوزستان، آذربایجان و اصفهان بدست آورده‌اند و در بقیه مناطق آراء یکدستی را مشاهده می‌کنیم. یکی از معضلات در مورد اصولگرایان اشتراک در لیست انتخاباتی آنها بود که جهت بررسی مستقل مجبور شدیم آراء مشترک این جناح را حذف نماییم و تنها آراء گروه مورد نظر را محاسبه نماییم. نقشه شماره ۲

پراکندگی آراء ائتلاف فراگیر اصولگرا را نشان می‌دهد.

جدای از گروه‌بندی‌های سیاسی، تعدادی از کاندیداها از وارد شدن به گروه‌بندی‌های سیاسی خودداری نموده و به‌عنوان کاندیدای مستقل در رقابت انتخاباتی شرکت نمودند. با وجود اینکه این افراد خود را مستقل نامیده‌اند، اما دارای نزدیکی دیدگاه با گروه‌بندی‌ها بوده‌اند و عده‌ای از تحلیل‌گران آنها را در جناح‌بندی‌ها وارد نموده‌اند. بر این اساس تعداد نمایندگان مستقل در این دوره در حدود ۱۴ درصد بوده است که پراکندگی آن بیشتر در استانهای نظیر اصفهان، فارس و خراسان رضوی می‌باشد که آراء احزاب دیگر هم در این استانها از میانگین بالایی برخوردار بود.

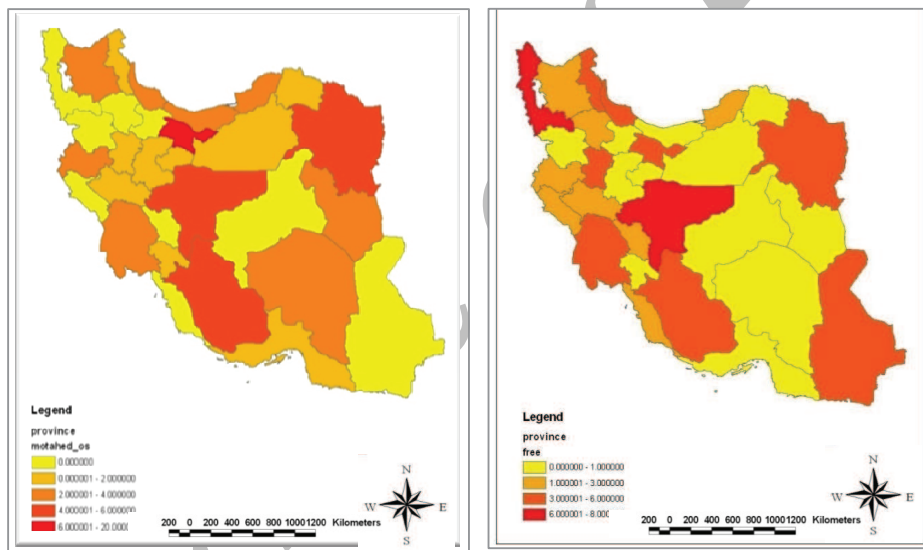


نقشه شماره ۲: پراکندگی و حجم آراء انتخاباتی اصولگرایان (ائتلاف فراگیر)

نقشه شماره ۱: پراکندگی و حجم آراء انتخاباتی جناح اصلاح طلب

جبهه متحد اصولگرا را باید پیروز قاطع انتخابات این دوره مجلس دانست. همان‌گونه که در نقشه شماره ۴ مشاهده می‌شود، برخلاف دیگر گروه‌های سیاسی حاضر در انتخابات که تعداد نمایندگانشان در استانهای کشور به بیش از ۵ نفر نمی‌رسید، این جناح فقط در تهران ۲۰ کرسی از آراء را کسب نمود و در دیگر استانها نیز بیشترین تعداد مربوط به استانهای خراسان رضوی، فارس و اصفهان با تعداد هر کدام ۶ نفر بوده است و در دیگر استانها نیز هر کدام چند نفر را به

خود اختصاص داده است و تنها جناحی است که در تمامی استانها دارای نماینده می‌باشد. در واقع آنچه را می‌توان به عنوان چالش اصلی کاهش نقش و جایگاه نمایندگان مجلس در ذهن مردم در چند سال اخیر نامید، تولد و ایجاد پایگاه شورای اسلامی شهر باید عنوان کرد، چرا که اکثر امور شهر با تدبیر و تقریر محلی قابل حل می‌باشد و تنها ایجاد ذهنیت در خصوص کارکرد اجرایی نمایندگان است که میزان مشارکت را دچار تغییر می‌نماید و الگوی رفتار انتخاباتی صرفاً بر اساس خواسته‌های محلی و منطقه‌ای از نمایندگان می‌باشد.



نقشه شماره ۴: پراکندگی و حجم آراء انتخاباتی اصولگرایان (جبهه متحد)

نقشه شماره ۳: حجم و پراکندگی آراء انتخاباتی مستقل

با نگاهی به نمودار کرسی‌های کسب شده توسط گروه‌های سیاسی در استانهای مختلف کشور موارد زیر قابل ذکر است:

- پراکندگی آراء در استانهای مختلف نشان از پیروزی گسترده اصولگرایان دارد؛
- اصلاح طلبان در استانهایی چون کهگیلویه و بویر احمد، گیلان و مرکزی اقبالی نداشته‌اند و تنها رقابتهای منطقه‌ای و رویکرد مذهبی در رفتار انتخاباتی مردم تأثیر داشته است؛

- علاوه بر استان تهران استانهای دارای صبغه مذهبی به اصولگرایان رأی داده‌اند که تحلیل‌گران عواملی چون ادای تکلیف، وظیفه شرعی و قدرت مرجعیت دینی را در این امر دخیل می‌دانند؛
- آراء در تعداد کمی از استانهای کشور با گرایش‌های قومی- قبیله‌ای و به دور از مسائل سیاسی کسب شده است؛
- آراء در مناطق مرکزی و خشک کشور با اصلاح طلبان می‌باشد که شاید رشد آگاهی‌های سیاسی علت اصلی می‌باشد؛
- در مناطق حاشیه‌ای مانند کردستان، آذربایجان و سیستان و بلوچستان اقبال به اصلاح طلبان بوده است و تعداد محدود آراء اصولگرایان نتیجه مشکلات اقتصادی و معیشتی و ضعف سرمایه اجتماعی و عدم وجود قلمرو موثر ملی^۱ در این استانها بوده است؛
- کلانشهرها به شکل گسترده‌ای به اصولگرایان رأی داده‌اند و علت نیز بیشتر فضای سیاسی حاکم بر کشور بوده است؛
- در استانهای سنی مذهب اکثریت با اصلاح طلبان و مستقل‌ها می‌باشد که کارشناسان نارضایتی‌های سیاسی را عامل اصلی این امر می‌دانند؛
- خاستگاه آرای مردم همچنان مذهبی- قومی- مکانی است و گواه آن نیز رقابت‌های کاندیداهای مشترک بین دو شهرستان است که به دور از هرگونه آرایش سیاسی در انتخابات شرکت کرده بودند.

نتیجه‌گیری

انتخابات تلاشی است توسط شهروندان در جهت اعمال خواسته‌ها و اراده آنها در حاکمیت بر سرزمین خویش و از طریق این فرایند است که حاکمیت بر سرزمینی خاص مشروعیت می‌یابد و دموکراسی نمود می‌یابد. الگوی رفتاری جغرافیای انتخابات کشور در دوره هشتم مجلس شورای

^۱ - مناطق حاشیه‌ای با قومیت‌های ویژه دارای اشتراک منافع با حکومت مرکزی نمی‌باشد و سرمایه اجتماعی در راستای عدم همراهی با حکومت مرکزی باعث شده است تا از جناح اپوزیسیون حمایت نمایند. بدین علت قلمرو موثر ملی در این مناطق گسترش نیافته است.

اسلامی نشان می‌دهد، حافظه تاریخی جامعه ایران در حال دگر دیسی است و خرد جمعی متناسب با مسائل جدید، مسائل مبتلا به گذشته را به یاد آورده و در انتخاب آن را دخالت می‌دهد. با بررسی ساختار جغرافیایی آرائی اخذ شده، باید به این نکته مهم اشاره نمود که کلاً فضای انتخابات مجلس هشتم در کشور متأثر از پیروزی اصولگرایان در انتخابات ریاست جمهوری بود و همین موضوع کفه انتخابات را به نفع جناح اصولگرا سنگین می‌کرد. لذا پراکندگی آراء در کشور بیش از آنکه تابع وضعیت بومی، اقلیمی و منطقه‌ای باشد، بیشتر تابع تلاش سیاسی جناح اصولگرا برای چینش ساختاری یکدست و هماهنگ با گرایش سیاسی حاکم بر دولت در قوه مقننه بود. لذا نتایج بیانگر حضور تعداد حداکثری از جناح اصولگرا در مجلس است. اگر چه در این دوره انتخابات تحت الشعاع رد صلاحیت‌های گسترده‌ای قرار گرفته بود که ۸۰ درصد از این رد صلاحیت‌ها در اردوگاه اصلاح طلبان رخ داد، اما با توجه به نتایج به دست آمده در این دوره از انتخابات، یک مجلس حداکثری از یک جناح و به اصطلاح، تک صدا نبود، که این نشان می‌دهد مشارکت مردم در انتخابات یک کنش یک سویه نیست، بلکه کاملاً کنشی دو سویه و تعاملی است که این تعامل دو سویه حداکثر با مفروضات ذهنی مردم، به شکل و شیوه مورد انتظار آنان همخوان می‌باشد. البته علی‌رغم موارد گفته شده و با توجه به تحولات تکنولوژیکی صورت گرفته در کشور اگر تلاش‌های نامتعارف در برگزاری انتخابات از طرف طیف‌های سیاسی کشور مثل رد صلاحیت‌ها و تلاش یکسویه رسانه ملی اعمال نشود، همچنان الگوی رفتار انتخاباتی مردم ایران در بیشتر مناطق کشور برگرفته از دیدگاه‌های سنتی گذشته چون ارزشهای ایدئولوژیک، حس مکانی و منطقه‌ای و قوم‌گرایی است و تنها در کلانشهرها است که آرای سیاسی مشاهده می‌شود. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که در کلانشهرها با توجه به تحولات جدید که عموماً از جنس رفتارهایی سیاسی هستند، ساختار حزبی در حال شکل‌گیری است که باعث شده آراء مأخوذه، سیاسی شود، در شهرهای کوچک و مناطق روستایی نیز وجود شوراهای شهر و روستا که بیشتر کارکرد خدماتی دارند و همچنین توجه به قومیت در انتخاب نمایندگان مجلس هنوز هم باعث شده رویکردهای غیرسیاسی موجود و آراء به دور از دغدغه‌های سیاسی اخذ شود، اما این رویکرد نیز به سمت سیاسی شدن در حال حرکت است.

منابع

۱. آمار انتخاباتی دوره‌های مختلف مجلس شورای اسلامی، دفتر انتخابات - وزارت کشور.
۲. بیانیه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی درباره انتخابات مجلس هشتم، سایت خبری تابناک: <http://www.tabnak.ir>
۳. پایگاه اطلاع‌رسانی http://makunews.com/index.php?option=com_content&view=i=1
۴. پورتال رسمی وزارت کشور: <http://www.moi.ir/Portal/Home/Default.aspx>
۵. جانستون، تایلور (۱۳۸۶)، جغرافیای انتخابات؛ ترجمه: زهرا پیشگاهی فرد و رسول اکبری، تهران: نشر قومس.
۶. پیشگاهی فرد، زهرا و راستی، عمران (۱۳۸۴)، پویش نه دوره انتخابات ریاست جمهوری با تأکید بر دوره نهم مطالعه موردی: خراسان جنوبی؛ فصلنامه جغرافیایی سرزمین، شماره ۸.
۷. پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۸۶)، فرهنگ جغرافیای سیاسی.
۸. پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۸۷)، خاستگاه رای در ایران.
۹. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۳)، افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی؛ تهران: سمت.
۱۰. خبرگزاری آریا: <http://www.aryanews.com/Default.aspx?cod=1020081012001005>
۱۱. خبرگزاری ایرنا: <http://www2.irna.ir/fa/news/view/menu-273/87062997.htm>
۱۲. سایت خبری تحلیلی میزان: <http://www.mizan.ir/news/2629.aspx>
۱۳. سایت خبری نوروز: <http://norooznews.ir/news/6293.php>
۱۴. سایت خبری تحلیلی همشهری آنلاین.
۱۵. شکویی، حسین (۱۳۷۸)، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا؛ تهران: انتشارات گیتاشناسی.
۱۶. طاهری، معصومه (۱۳۸۴)، تلفیق‌گرایی بهترین راه، گذری بر جغرافیای انتخابات؛ روزنامه شرق، ۸۴/۳/۲۳.
۱۷. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی؛ تهران: انتشارات سمت.
۱۸. محمدی‌زاده (۱۳۸۴)، نگرشی بر تحولات انتخابات ریاست جمهوری؛ همشهری، ماه ۴، خرداد ۸۴.
۱۹. مظفری، مهرداد (۱۳۸۷)، بررسی رفتار انتخاباتی مردم بر انتخاب نمایندگان در شهرستان ایلام.
۲۰. ملاحسینی اردکانی، رضا، بررسی تغییرات حوزه‌های انتخابیه استان یزد؛ سایت استانداری یزد.
۲۱. میرحیدر، دره و رحیم صفوی، یحیی (۱۳۷۹)، درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی؛ تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۲۲. یزدان پناه، کیومرث (۱۳۸۲)، راهبردهای رفتاری در جغرافیای انتخابات؛ روزنامه جام جم، ۸۲/۱۱/۲۳.